

تأثر صائب از مولوی

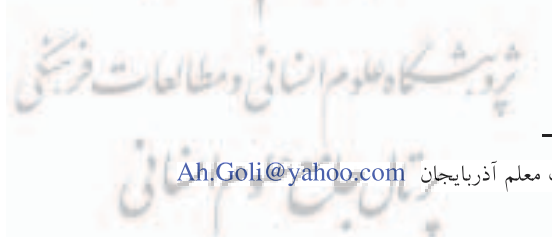
احمد گلی*

چکیده

از جمله مقوله‌های نقد ادبی، نقد نفوذ یا تأثیر و تأثر شعرا نسبت به همدیگر است. ریشه‌یابی و کیفیت و کشف کمیت اخذ و اقتباس مضامین و موضوعات موجود در آثار سخنوران متأخر از متقدم یا بینامتنیت (Intertextuality)^۱، میزان نوآوری و تقلید و تأثیرپذیری آنان را از یکدیگر نمودار می‌سازد و در تشخیص سبک شخصی شاعران به خواننده کمک شایانی می‌کند. در این مقاله کوشش شده است، تأثیرپذیری صائب از مولوی از حیث قالب و محتوا تبیین و تحلیل شود.

واژه‌های کلیدی

صائب، مولوی، تأثیر، تأثر، قالب، محتوا.



* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان Ah.Goli@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۸۷/۷/۲۹

تاریخ وصول ۸۶/۱۲/۲۵

مقدمه

میرزا محمدعلی، متخلص به صائب، مشهورترین شاعر سبک هندی در قرن یازدهم هجری است. او یکی از چهار غزل سرای بزرگ ادب فارسی بعد از مولوی، سعدی و حافظ است. غزلیات عارف روم، شورانگیز و عارفانه و غزل‌های صائب، لطیف و رنگین‌تر از گل است.^۲ نگاهی گذرا به دیوان حجیم صائب گویای این است که او به چه اندازه، در آثار شاعران متقدم و معاصر خویش تأمل و تتبع کرده است. وی از میان این همه شاعر مورد استقبال و اقتضای خویش به صائب به مولوی بیش از دیگران ارادت داشته و این ارادت را از جوابی که به غزل‌های مولوی داده است، می‌توان دریافت. «با اطمینان می‌توان گفت که صائب در «اصول سخن گفتن متفکرانه» و «نگاه جان‌بین» به مولوی شباهت دارد و شاگرد خلف مولانا است».^۳

صائب شصت و سه بار در مقطع غزل‌هایش با تعابیر مختلف از عارف روم یاد کرده؛ تا آنجا که خود را پیرو طرز او دانسته و پیوسته اقرار و اعتراف می‌کند که از باده شعر مولانا مدهوش شده و با خون دل خوردن‌ها سرانجام توانسته است، با طرز و سبک وی آشنا شود؛ آنسان که همچو عارف شوریده روم، زمزمه اشعارش موجد و جد و سماع شود.^۴ از این میان سی و هفت بار به صراحت با عبارت «جواب آن غزل است این» و... به استقبال غزلیات مولانا رفته است. تضمین و تأثرهای صائب از عارف روم به دو شیوه تأثیرپذیری فقط از حیث قالب و فرم و از لحاظ قالب و محتوا صورت گرفته است.

۱- قالب و فرم

در این شیوه شاعر فقط قالب و ساختار ظاهری غزل را مدنظر قرار می‌دهد و بر آن است تا بدون تأثیرپذیری از پیام و محتوا، شعری هم‌وزن و قافیه و ردیف شعر آن سخنور بسراید. در این شیوه ممکن است، اندک همسانی‌هایی میان موضوع غزل‌ها و رنگ و نشانی از

حیث بعضی تعابیر و مضامین و گاهی حتی تلمیحات در میان دو سروده وجود داشته باشد؛ اما احتمال تأثیرپذیری در دو حوزه قطعی نیست.^۵

۲ - قالب و محتوا

در این صورت، شاعر در سرودن شعر خویش پیکره و پیام شعر را مورد توجه قرار می‌دهد و سعی می‌کند که سروده او از هر دو حیث با سروده مورد استقبال، هماهنگی و همسویی داشته باشد.

در این مقاله به خاطر رعایت ایجاز و اختصار سعی شده است تنها غزلیاتی مورد تحلیل قرار گیرد که تأثرات در آنها از حیث قالب و محتواست.

۱. ص: خنده‌ها بر شمع دارد دیده گریان ما
مو نمی‌گنجد میان گریه و مژگان ما
این جواب آن غزل صائب که ملاً گفته است
«از پی آن آفتاب است اشک چون باران ما»
(غ ۲۹۲)

م: از پی شمس حق و دین دیده گریان ما
از پی آن آفتاب است اشک چون باران ما
(غ ۱۴۸)

الف) سطح موسیقایی: از نظر موسیقی بیرونی وزن غزل‌ها «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، بحر رمل مثنی محذوف است. از لحاظ موسیقی کناری غزل‌ها مردف و مردف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: گریان، طوفان، خندان، باران. غزل صائب هشت بیت و غزل مولوی یازده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: لب و لقمه (۲) تنور و خاک (۳) خون و غیرت (۴) خنده و برق (۶) اشک و باران (۸) ارسال‌المثل: (۵) استعاره: دیده (۱) طوفان (۳) آفتاب (۸) کنایه: خنده بر چیزی داشتن، مو ننگیدن (۱) سیر ساختن (۲) خون به جوش آمدن، لاله‌زار شدن دامن از داغ (۳) بازی خوردن، چیزی را در پرده داشتن (۶) سر در سر چیزی کردن (۷).

م. تشبیه: اشک و باران (۱) ماهرو، زهره‌رخ و چنگ عشرت (۷) خاک تیریز و صفای کوثر و چشمه حیوان (۱) استعاره: شمش حق، آفتاب (۱) نوح (۳) خاقان (۶) بت (۷) بتان (۸) جان، بتان و دل (۱۰) کنایه: شرق و غرب (۶) ماهروی و زهره‌رخ (۷) مجاز: چنگ (۷).
 ج) سطح فکری: ۱ - غزل صائب عاشقانه و غم‌گراست و در این غزل، شاعر احوال غم‌بار خود را در فراق و هجران از معشوق به رشته تحریر کشیده است و در نهایت تکیه بر توکل کرده، می‌گوید: آن که سر داده است آخر می‌دهد سامان ما (۷). تلمیح: طوفان نوح و تنور پیرزن (۳).

۲ - غزل مولوی، عاشقانه و غم‌گراست و در آن آثار و نشانه‌های امید به وصال و شادی نمایان است (۵ و ۴). تلمیحات: طوفان نوح و کشتی آن (۲) و کوثر و چشمه حیوان (۱۱).
 * با توجه به همسانی‌های موضوعی و مضمونی در میان غزل‌ها، صائب در این غزل از حیث پیام و پیکره از مولوی متأثر شده است.

۲. ص: ز سرو و گل چمن مینا و جام آورد مستان را
 به قول عارف رومی سخن را ختم کن صائب
 ز لبلب مطرب رنگین کلام آورد مستان را...
 «که ساقی هر چه در باید تمام آورد مستان را»
 (غ ۴۰۸)
 م: بهار آمد بهار آمد سلام آورد مستان را
 از آن پیغامبر خوبان پیام آورد مستان را
 (غ ۶۲)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن» بحر هزج مثنی سالم است. از حیث موسیقی کناری هر دو غزل مردف و مردف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: جام، سلام، پیام، دام، تمام. غزل صائب نه بیت و غزل مولوی ده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: سرو و گل با مینا و جام، لبلب و مطرب (۱) زلف و عارض با صبح و شام (۲) گلزار بیرنگی (۴) زهد و شیشه خالی (۵) رشته باران (۷) کمند

حب الوطن، مستان و سیل (۸) استعاره: نسیم صبحدم (۴) کنایه: در جامه ننگجیدن (۴) بر طاق نسیان نهادن (۵) گؤل زدن و جوش گل (۶).

م. تشبیه: لاله و جام (۳) مجمر دل‌ها، سرمای فراق (۶) گلشن باقی (۷) استعاره: بهار (۱) زبان سوسن و سرو (۲) نثار و نقل (۳) ابر (۴) کنایه: پیغامبر خوبان (۱).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب باده‌ستایی و توصیه به باده‌خواری در موسم بهار با حضور ساقی است و شاعر آن را از سر انبساط خاطر سروده و در آن از لوازم و اصطلاحات باده‌خواری، از جمله جام، مستان، مطرب، ساقی، خط بغداد، جام می، شیشه جام، میخانه، محدب و شراب لعل فام استفاده کرده است.

۲ - موضوع غزل مولوی، نیز همچون غزل صائب باده‌ستایی و تجویز باده‌خواری است. شاعر با انبساط خاطر از آمدن جلوه‌های بهاری، آرزوی مهیا کردن مجلس بزم و سقایت ساقی مستان را در سر می‌پرورد. عارف روم ضمن ذکر اصطلاحات مستان، ساقی، نقل، جام، مدام از آیه «وسقاهم ربهم» به مناسبت موضوع غزل استفاده کرده است.

* با توجه به همسویی موضوع غزل‌ها و اصطلاحات باده‌خواری و باده‌ستایی، تأثر از حیث محتوا و قالب قطعی است.

۳. ص: حسن بالادست را هر روز شان دیگر است	شعله جانسوز را هر دم زبان دیگر است
این جواب آن غزل صائب که ملأ گفته است	«لب فرو بندید کاو را همزبان دیگر است»
م: عاشقان را گرچه در باطن جهانی دیگر است	عشق آن دلدار ما را ذوق و جانی دیگر است
	(ع ۹۹۲)
	(ع ۳۸۴)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» بحر رمل مثنی محذوف است. از حیث موسیقی کناری، غزل‌ها مردف و مردف‌اند. اندک تفاوتی در قوافی وجود دارد؛ قافیه غزل صائب مطلق غیر موصوله و قافیه غزل مولوی موصوله است. ابیات غزل صائب دوازده و غزل مولوی نه بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: قبله و طاق نسیان (۶) وحشت بودن شبان (۷) بی نیازان و اسکندر (۸) تیغ و زبان (۹) آسمان معرفت (۱۰) تیغ و سنگ فسان (۱۱) ارسال المثل: (۱) (۲) (۳) استعاره: حسن (۱) حفظ حق (۷) بام خرد، پای علم (۱۰) کنایه: آئینه‌رو (۲) کوته‌بین، به غور چیزی رسیدن (۴) شیشه جان بودن (۱۱).

م. تشبیه: عشق، عقل و معرفت و نردبان (۵) شاه عقل (۶) شمس و شمع، شمع و پروانه (۹) استعاره: حکمت (۳) بام حق (۵) کنایه: روشنان (۲) مجاز: سینه (۲)

ج) سطح فکری: ۱ - غزل صائب عاشقانه و شادی گراست. به نظر می‌رسد، صائب این غزل را در حالی که انبساط خاطر داشته است، سروده و در آن خواننده را به سکوت و خاموشی دعوت کرده است. (۱۱ و ۱۲) تلمیح: داستان اسکندر و به دنبال آب حیات رفتن (۸).

۲ - غزل مولوی نیز عاشقانه و عارفانه و شادی گراست و در آن شاعر، مقام بلند معشوق ازل را توصیف کرده و خواننده را به سکوت و خاموشی فرا خوانده است. (۸)
* همانندی‌های موضوعی و مضمونی غزل‌ها و تعابیر آنها. ص: آسمان معرفت را نردبان دیگر است (۱۰) م: لیک حق را در حقیقت نردبانی دیگر است (۵) بیانگر آن است که تأثر از حیث قالب و محتواست.

ع. ص: به آسمان نرسد هر که خاک پای تو نیست
فرو رود به زمین هر که در هوای تو نیست
جواب آن غزل است این که گفت مرشد روم
«چه گوهری تو که کس را به کف بهای تو نیست»
(غ ۱۸۱۱)

م: چه گوهری تو که کس را به کف بهای تو نیست
جهان چه دارد در کف که آن عطای تو نیست
(غ ۴۸۱)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفاعیلن فعاتن، مفاعیلن فعلمن» بحر مجتث مثنی‌مخبون محذوف است. از نظر موسیقی کناری قافیه غزل‌ها موصوله و مردّف‌اند.

قوافی مشترک عبارتند از: پای، هوای، ثنای، جای، عطای، سزای، لقای، بهای. غزل صائب ده بیت و غزل مولوی یازده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: بندگی چون من (۸) دل و آینه، ارسال المثل: (۳) استعاره: سپهر (۳) کنایه: خاک پای کسی بودن (۱) در خور چیزی بودن (۲ و ۷) سیر چشم شدن (۷) آبی به روی کار آوردن (۸).

م. تشبیه: موج حوادث (۴) آتش بلا (۷) استعاره: گوهر، جهان (۱) مرغ و مرغان (۴) دل (۸) کنایه: خاک بر سر کسی بودن (۳).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عارفانه است و در آن مقام بلند و دست نیافتنی معشوق ازل توصیف شده است. تلمیحات: همای و استخوان خواری و زاغ و شکر خواری آن. (۶)

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عارفانه است و در آن مقام بلند و غنای معشوق ازل توصیف شده است و مرشد روم در آن از اصطلاحات شطرنج رخ و شاه (۷) بهره گرفته است.
* همسانی اکثر واژگان قافیه و ترکیباتی همچون «که خاک پای تو نیست» و همسویی محتوای غزلها گویای آن است که شاعر سبک هندی از حیث پیام و پیکره از غزل مولوی متأثر شده است.

۵. ص: زلف مشکینت که خون در ساغر ایمن کند
این جواب آن غزل صائب که ملأ گفته است
شانه را در یک سراسر پنجه مرجان کند..
اینک آن رویی که ماه و مهر را رخشان کند
(ع ۲۵۳۴)

م: اینک آن جویی که چرخ سبز را گردان کند
اینک آن رویی که ماه و زهره را حیران کند
(ع ۷۲۹)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن»، بحر رمل مثنی محذوف است. از حیث موسیقی کناری غزلها مردّف و مردّف‌اند.

قوافی مشترک: حیران، میدان، طوفان، گردان و ایمان. غزل صائب پانزده بیت و غزل مولوی بیست بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: شانه و پنجهٔ مرجان (۱) نرگس و دیدهٔ خورشید (۲) چشم و آفتاب خوان وصل (۵) خاک و تنور (۹) نیام و خاک (۱۱) ارسال‌المثل: (۲) (۹) استعاره: خاک (۶) گردباد (۸) طوفان (۹) سوزن عیسی (۱۴) کنایه: خون در چیزی کردن (۱) عالم‌سوز (۲) چشم زیر پا فکندن (۴) خون خوردن و هم کاسه بودن (۷) آتش دست (۱۳) رخنه در ایمان کردن (۱۴) مجاز: جهان (۵)

م. تشبیه: روی و ماه و زهره (۱) میدان روح، لوح معرفت، دانش تقلید و دام (۱۶) لوح کشتی (۳) سخن و آب، دریا و عشق (۱۸) شخص و ماهی (۱۹) استعاره: آینه (۱۳) چشم (۱۴) کنایه: خود را نادان ساختن (۱۵).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و عارفانه است. شاعر ضمن توصیف زیبایی‌های معشوق (۱۵-۱۲ و ۵-۱) دشواری و نامالایمات طریق عشق را تذکر داده است (۱۰-۷). تلمیحات: چشم پریدن برای امر خیر (۵) طوفان نوح و تنور پیرزن (۹) آتش نمرود و بستان شدن آن (۱۲) سوزن عیسی (۱۴).

۲ - مضمون غزل مولوی نیز عاشقانه و عارفانه است که عارف روم ضمن توصیف کمال و جمال و قدرت معشوق ازل (۱۱-۱) عاشق را به سکوت و خاموشی در مقابل معشوق توصیه می‌کند (۱۳ و ۱۲) و در نهایت اظهار فقر و عشق و صداقت را در طریق معرفت، مایهٔ وصال و کامیابی می‌داند. تلمیحات: نوح و کشتی طوفان (۳) حکمت لقمان (۴) لشکر فرعون و عبور از دریا و گلستان شدن آتش نمرود برای ابراهیم (ع) (۷) و آیه قرآنی و علم‌القرآن (۲/۵۵) (۱۶).

* یکسانی موضوع و تعابیر و بعضی از تلمیحات موجود در غزل‌ها، بیانگر آن است که صورت و محتوا هر دو مدنظر صائب بوده و در مصراع تضمین شده، اندک تصرفی صورت گرفته و «جویی» به «روی» و «حیران» به «رخشان» تغییر یافته است.

۶. ص: منعم از خواب عدم تیره روان برخیزد
هر که شب سیر خورد صبح گران برخیزد...
صائب این آن غزل عارف روم است که گفت
چون عیان جلوه کند چهره، گمان برخیزد
(غ ۳۴۰۹)

م: در دلم چون غمت ای سرو روان برخیزد
همچو سرو این تن من بی دل، جان برخیزد
(غ ۷۸۱)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن فعلاتن فعلن» بحر رمل مثنی معیون اصلم است. از نظر موسیقی کناری قافیه غزلها مردف و مردف اند. قوافی مشترک عبارتند از: روان، گران، کمان، روان، خزان و گمان. غزل صائب یازده بیت و غزل مولوی ده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: خواب عدم (۱) زنگ و طوطی (۲) غنچه و محبوب (۶) معشوق و نرگس (۷) آئینه و دل (۸) کس و نی (۹) شبیم و ما (۱۰) ارسال المثل: (۱) (۲) استعاره: سرور روان (۵) کنایه: تیره روان (۱) سلسله جناب (۶).

م. تشبیه: تن و سرو (۱) حصار و فلک (۴) من و تیر (۷) دل و رگ (۹) تمثیل: (۸) استعاره: سرو روان (۱) خوبی (۴) کنایه: ستمستان (۳) رشک بهار (۵).

ج) سطح فکری: ۱ - غزل صائب حکیمانه و عاشقانه است و در آن شاعر احوال خود (۱۰ و ۳-۲) و مقام معشوق را (۷-۵) به تصویر کشیده و بعد از انقضای ماه مبارک رمضان باده سی شبه را تجویز کرده است (۸) تلمیحات: طوطی و آئینه (۳) باده و زنگ زدایی (۸).
۲ - غزل مولوی عاشقانه است و در آن مقام والا و بلند معشوق ازل توصیف شده (۷-۱)؛ همچنین در آن ابیاتی حکیمانه وجود دارد (۹ و ۸).

* هماهنگی در قالب و محتوای هر دو غزل نمایان است و صائب در تضمین اندک تصرفی کرده و واژه «کند» را به «دهد» تغییر داده است.

۷ ص: تا تو بی پرده شدی لاله رخان خوار شدند
همه گل های چمن در پس دیوار شدند...
صائب این آن غزل مرشد روم است که گفت
عید بگذشت و همه خلق پی کار شدند
(غ ۳۵۱۰)

م: عید بگذشت و همه خلق سوی کار شدند
 زیرکان از پی سرمایه به بازار شدند^۵
 (غ ۷۸۴)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی با وزن غزلها «فاعلاتن فعلاتن فعلن» بحر رمل مثنی مخبون اصلم است. از لحاظ موسیقی کناری قافیه غزلها مردف و مردف‌اند. قوافی مشترک: دیوار، رخسار، کار، دار و گفتار است. غزل صائب دوازده بیت و غزل مولوی ده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: معشوق و لاله‌رخان و گل‌های چمن (۱) خیره نگاه و شرر، شعله دیدار (۲) در و دیوار و آینه (۳) قد و سرو (۴) علم زلف، لوای خط مشکین (۵) فردی چون منصور (۱۰) رشته عمر، مقراض دو لب (۱۱) استعاره: در و دیوار (۳) کنایه: لاله رخ (۱) بی‌پرده شدن، در پس دیوار شدن (۱) یک چشم زدن (۲) از کار شدن (۶) در سر چیزی شدن (۱۱).

م. تشبیه: سلسله عشق (۴) همه و جعفر طیار (۵) ما و خورشیدپرست، سایه‌جویان و زنان (۷) مردم و منصور (۹) کنایه: در پس دیوار شدن (۷) دم زدن (۱۰)

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و عارفانه است و در آن جمال و قامت بی‌همتای معشوق توصیف شده است (۶-۱). شاعر از اصطلاحات عرفانی وقت (۷) و اکسیر عشق (۹) و سخن حکیمانه (۸) استفاده کرده و عرفا و عشاق را به سکوت و خموشی در برابر عظمت خالق و خلقت توصیه کرده است (۱۱ و ۱۰)؛ همچنین منصور و بر سر دار رفتن او را ناشی از زبان‌آوری و ادعا دانسته است (۱۱).

۲ - غزل مولوی نیز عاشقانه است و در آن، ضمن توصیف جمال هوش‌ربای معشوق درس فقها را تکراری و بی‌حاصل می‌داند (۳) و با اشاره به داستان جعفر طیار عاشقان را هم رتبه وی دانسته (۵)؛ همچنین از داستان منصور و بر سردار رفتن او نیز سخنی به میان آورده است (۹).

* آثار و نشانه‌های مذکور حکایت از همانندی قالب و محتوا دارد و با تصرف در تضمین که در آن واژه «سوی» به «پی» تبدیل شده است.

۸ ص: خاک شو تا ز بهارت به گل تر گیرند مرده شو تا به سر دست ترا برگیرند...
صائب این آن غزل مولوی روم که گفت ما نه زان محتشمانیم که ساغر گیرند
(غ ۳۵۲۲)
م: ما نه زان محتشمانیم که ساغر گیرند و نه زان مفلسکان که بز لاغر گیرند
(غ ۷۸۵)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن، فعلن» بحر رمل مثنی‌مخبون اصلم است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزلها مقید و مردف‌اند. قوافی مشترک: بر، مجمر، ساغر و در است. غزل صائب چهارده بیت و غزل مولوی ده بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: تو و مردان (۳) سوختگان و اخگر (۴) سینه و صدف (۹) دیده و بادام (۱۰) عشق و فاخته (۱۱) پشت و آینه (۱۳) ارسال‌المثل: (۱) (۲) استعاره: سوختگان، آینه (۴) کوثر (۱۲) کنایه: خاک شدن، به سر دست گرفتن (۱) سبک‌پروازان (۲) دامن‌افشاندن (۳) سمندرصفتان (۵) مهر بر لب نهادن (۹) بر گردن کسی افتادن (۱۱) دامن چیزی را گرفتن (۱۲).

م. تشبیه: ما و مه (۳) می و ایمان (۸) ما و آب، ما و عود (۹) عقل و عطارد (۱۳) استعاره: صنم (۱۰) عقل (۱۳) کنایه: سوختگان (۲) شب‌صفتان (۳) از سر گرفتن (۴) به گلیم بر گرفتن (۵) در زر گرفتن (۶) دو رای و دو دل بودن (۱۲) مجاز: جهان (۵).

ج) سطح فکری: ۱- غزل صائب عاشقانه و عارفانه است و در آن احوالات عارفان و عاشقان دلسوخته عشق به تصویر کشیده شده (۵-۱). صائب ضمن آرزوی باده‌خواری (۷) عرفا و عشاق را به سکوت و خاموشی فرا می‌خواند (۸) و معتقد است که عشق نصیبه ازلی است. (۱۱) تلمیح مورد استفاده در غزل ماجرای آتش و سمندر است (۵).

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و عارفانه است و در آن ملای روم ضمن بیان احوال دلسوختگی خود (۲) و آرزوی باده‌خواری (۷) و توصیف جمال منور معشوق ازل (۱۰) معتقد است که در محفل عشق، باید مهر سکوت بر لب نهاد (۱۳) تا مورد تمسخر دیگران واقع نشد. تلمیحات: آب حیوان (۲) و اصطلاحات نجومی (۱۱ و ۱۳).

* موضوع و مضامین مشترک در سطح فکری غزل‌ها بیانگر آن است که صائب در سرودن غزل هم ساختار و هم محتوای شعر مولانا را مدنظر داشته است.

۹ ص: به زلف او دلم از برق گوشواره رسید به داد من شب تاریک این ستاره رسید...
 جواب آن غزل است این که گفت مرشد روم خبر برید به بیچارگان که چاره رسید
 (غ ۴۰۲۹)

م: بیا که ساقی عشق شراب باره رسید خبر بیر بر بیچارگان که چاره رسید
 (غ ۹۱۵)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفاعیلن فعلاتن، مفاعیلن فعلن» بحر مجتث مثنی‌مخبون محذوف است. از لحاظ موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مردف و مردف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: گوشواره، ستاره، گاهواره، پاره، خاره، چاره. غزل صائب دوازده بیت و غزل مولوی ده بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: برق و گوشواره (۱) برآمدن از خطر و به کناره رسیدن کشتی (۴) رشته نفس (۷) حسن و سبحة (۸) شمع و داغ (۹) ارسال‌المثل: (۱) (۶) استعاره: ستاره (۱) پای دل (۲) دل دادن (۳) دریا (۶) چشم (۷) در بیچارگی (۱۱) کنایه: به خود فرو رفتن (۴) دست به تخته پاره رسیدن (۶) گره به کار افتادن (۸) از پای نشستن (۱۰).

م. تشبیه: ساقی عشق (۱) امیر عشق شراب و عقیق (۲) آفتاب جمال (۶) استعاره: شماره (۴) زحل (۶) ستاره (۷) کنایه: هزار (۳ و ۴) راه زن (۷).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و شادی‌گرا است. تلمیحات: خلد و جوی شیر (۵) دار و منصور (۶) تیشه و سنگ خاره (۱۰).

۲- موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و شادگی گرا است و مرشد روم شعر خود را از سر انبساط خاطر سروده است و در آن عاشق را به سکوت و خموشی در حضرت خداوند دعوت کرده است.

تلمیحات: حدیث الصلاة خیر من النوم (۴) زحل و آسمان هفتم (۶) فریدون و تاج وی (۷).
* با توجه به همسانی موضوع و مضامین و عبارات: ص: که جوی شیر به طفلان گاهواره رسید (۵).

م: هزار چشمه شیر و شکر روان شد ازو شکاف کرد و به طفلان گاهواره رسید (۳)
تأثر صائب از مولوی از حیث قالب و محتوا قطعی است.

۱۰. ص: از عیب پاک شو که هنرها همی دهند دست از خرف بشو که گهرها همی دهند...
این آن غزل که مولوی روم گفته است «امسال بلبلان چه خبرها همی دهند»
(غ ۴۲۳۸)

م: امسال بلبلان چه خبرها همی دهند یارب به طوطیان چه شکرها همی دهند
(غ ۸۷۷)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» بحر مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف است. از نظر موسیقی کناری قافیه غزلها موصوله و مردّف اند. قوافی مشترک عبارتند از: هنرها، گهرها، زرها، شکرها، سرها، پرها، کمرها، خبرها. غزل صائب چهارده بیت و غزل مولوی هفت بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: خردۀ حیات (۳) سر چون حباب (۶) تو و طاووس (۷) برگ بودن سنگ راه (۸) پایتخت عشق، تاج بودن بی سری (۹) ارسال المثل: (۱) استعاره: شکر (۴) نخل (۸) در دل (۱۲) کنایه: دست از چیزی شستن (۱) آستین افشاندن (۴) روی در چیزی پنهان کردن (۵) مجاز: کمر.

م. استعاره: طوطیان و شکر (۱) باغ (۲) کنایه: سر دادن (۶) مجاز: کمر.

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عارفانه و توأم با پند و اندرز برای اهل دنیا است. صائب معتقد است اگر عارف خود را از عیب‌های این جهان پاک و مبرا کند (۱) و عمر خویش را در راه معشوق ازل صرف کند (۷-۳) و از ساز و برگ این جهان بگذرد (۷) و روی به درگاه دل بیاورد (۱۲) گهرها و زرها و ثمره‌های فراوان نصیب او خواهد شد. تلمیح: طاووس و پر زیبای او (۷).

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عارفانه است و در آن معامله سودآور تعلقات دنیوی با عطیه‌های آن جهانی و از عطا‌های بی‌مضایقه عالم معنویت بر عارف، سخن به میان آمده است.
* موضوعات و تعبیر

ص: در پایتخت عشق که تاج است بی‌سری بیرون رو از میان که کمرها همی‌دهند (۹)
م: و آن را که تاج رفت کمرها همی‌دهند (۳) موجود در غزل‌ها دارای همانندی‌های قابل توجهی است و اقتفا و اقتباس در هر دو زمینه آشکار و نمایان است.

۱۱. ص: زاهد به کعبه با سر و دستار می‌رود این مست بین که روی به دیوار می‌رود..

این آن غزل که مولوی روم گفته است این نفس ناطقه پی گفتار می‌رود (غ ۴۲۵۱)

م: بلبل نگر که جانب گلزار می‌رود گلگونه بین که بر رخ گلنار می‌رود (غ ۸۶۴)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مردف و مردف‌اند. قوافی مشترک سطح عبارتند از: دستار، گفتار، گلزار، خار. غزل صائب ده بیت و غزل مولوی شانزده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: هرکه و خامه (۵) آب و آئینه (۹) استعاره: و هم کنایه: روی آب و آئینه (۹). به دیوار رفتن (۱) دل از کار رفتن (۲ و ۷) مرده دلان (۳).

م. تشبیه: رخ و گلنار (۱) لاله و راهب (۴) آب حیات در بن درخت با آتش در دل
احرار (۷) گلرخ (۸) استعاره: شکوفه (۳) خار و گل (۵) چشم نرگس (۶) وحی (۹) گل
(۱۱) و (۱۲) دل، شاخ (۱۳) دل (۱۴) کنایه: از خود بیرون شدن (۲) گلرخ (۸).

ج) سطح فکری:

۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و انتقادی است و در آن صائب از شخصیت ریاآلود
زاهد انتقاد کرده است (۱ و ۴) تلمیح: منصور و بر سر دار رفتن او (۴).

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه است و در آن از آمدن بهار و شکفتن گل‌ها در
بوستان طبیعت سخن به میان آمده است و به سکوت و خموشی سفارش شده است (۱۶).

تلمیحات: منصور و به سر دار رفتن او (۲)، راهب و دلسوختگی (۴)، آیه «ان الله اشتری
من المومنین انفسهم ۱۱۱/۹» (۱۱).

* تشابهات موضوعی و مضمونی و گاه تلمیحی در سروده‌ها، بیانگر پیوند لفظی و

معنوی در هر دو غزل است.

همیشه بر سر کوچ است کاروان سماع...

۱۲. ص: قرار و صبر ندارند عاشقان سماع

بیا بیا که تویی سرو بوستان سماع

جواب آن غزل است این که گفت عارف روم

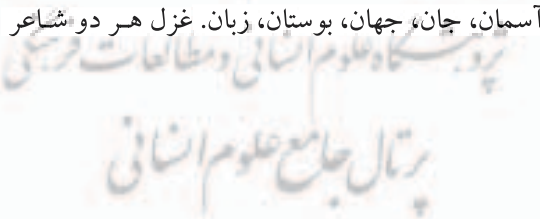
(غ ۵۱۳۴)

بیا که سرو روانی به بوستان سماع

م: بیا بیا که تویی جان جان سماع

(غ ۱۲۵۹)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفاعیلن فعلا تین، مفاعیلن فعلن»
بحر مجتث مثنی‌مخبون محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مردف و
مردف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: آسمان، جان، جهان، بوستان، زبان. غزل هر دو شاعر
ده بیت دارد.



ب) **سطح ادبی:** ص. تشبیه: تو با برق و باد، آسمان و سماع (۲) صفا و آفتاب (۵) بر گریز فنا، سبزقبایان و سرو (۶) لامکان و سماع (۷) داستان سماع در گوش مرده مانند نیشتر به خون مرده است (۸) ارسال المثل: (۸).

م. تشبیه: معشوق و سرو، بوستان سماع (۱) کسی مانند تو (۲) چشمه خورشید، معشوق و خورشید، آسمان و سماع (۳) شمس و صورت عشق (۱۰) استعاره: سماع (۲) سماع، زبان سماع (۴) نردبان سماع (۶) عشق (۸) دهان سماع (۱۰).

ج) **سطح فکری:** ۱- موضوع غزل صائب عارفانه و شاعر در آن به تعبیر اصطلاح صوفیانه سماع و ارزش و اهمیت و دشواری فهم زبان آن پرداخته است (۹).

تلمیح: اصطلاحات عرفانی سماع (۱) وجد (۳)، وقت (۵)، فنا (۶).

۲- موضوع غزل مولوی عاشقانه و شادی گراست و در آن مقام و مرتبه و ارزش سماع

تعبیر و تفسیر شده است.

تلمیحات: خورشید و زهره (۳)، چرخ هفتم (۶)، ذره و خورشید (۹).

* در موضوع غزل‌ها همسانی‌های قابل توجهی وجود دارد، صائب هر دو جنبه غزل مولوی را در سرودن شعر خود مدنظر داشته و با تصرف در تضمین به جای «سرو روانی»، «بیا که تویی سرو» آورده است.

۱۳. ص: هر چه احسان تو داده است به ما آن داریم

صائب این آن غزل عارف روم است که گفت

«چه غم از زر نبود چون مدد از کان داریم»
(غ ۵۶۹۸)

م: ما سر و پنجه و قوت نه از این جان داریم

ما کر و فرّ سعادت نه ز کیوان داریم
(غ ۱۶۵۱)

الف) **سطح موسیقایی:** موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن،

فعَلن» بحر رمل مَثَمَّنْ مخبون محذوف است. از لحاظ موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مردف و

مردّف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: کنعان، کان. غزل صائب پانزده بیت و غزل مولوی نه بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: روی و قرآن (۳) تیرباران حوادث و قفس، دل و شیر (۴) دل و خس (۵) ما و طوطی (۶) ما و سیلاب (۷) داغ عشق (۸) ما و پیراهن یوسف (۱۰) خوان فلک، پشت دست و رزق (۱۲) روزی و دل (۱۴) استعاره: احسان (۱) آینه (۱۱) کنایه: سی پاره (۳) دست در دامن کسی زدن (۷) از دور دست بر چیزی داشتن (۸) تنگ دل (۱۳).

م. تشبیه: دجله خون (۳) ما و بوهریره (۶) شمس و شهنشاه و قطب (۹) کنایه: هفت دریا (۴).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب بیان احوال قناعت و خرسندی شاعر به داده غیبی است.

تلمیحات: قرآن و سی پاره آن (۳) طوطی و شکرستان (۵) مصر، پیراهن، یوسف و کنعان (۱۰).

۲ - موضوع غزل مولوی اقرار و اعتراف به داشته‌های خود از جانب خداوند سبحان است. تلمیحات: اشاره به حدیث «ان لله سبعین حجاب من نور و ظلمة لَو كَشَفَهَا لَأَخْرَقَتْ سُبُحَاتٍ وَجِهَهُ مَا انْتَهَى اِلَه بَصْرُهُ» (احادیث مثنوی ۵۱-۵۰) (۲) صفت ابوهریره (۶)، اهریمن، دیو، پری و سلیمان (۷)، چاه، دلو و یعقوب و کنعان (۸).

* با توجه به نکات بالا تأثر صائب از مولوی هم از حیث قالب است هم از لحاظ محتوا.

۱۴. ص: تا واله نظاره آن ماهپاره‌ایم
از خود پیاده‌ایم و به گردون سواره‌ایم...
این آن غزل که مولوی روم گفته است
«در شکر همچو چشمه و در صبر خارایم»
(غ ۵۸۸۵)

م: ما قحطیان تشنه و بسیار خواره‌ایم
بیچاره نیستیم که درمان چاره‌ایم
(غ ۱۷۰۹)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» بحر مضارع مثنی‌اخر ب مکفوف محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزلها موصوله است. قوافی مشترک عبارتند از: پاره‌ایم، سواره‌ایم، کناره‌ایم، ستاره‌ایم، شراره‌ایم، خواره‌ایم، چاره‌ایم، کاره‌ایم، خاره‌ایم. غزل صائب چهارده بیت و غزل مولوی دوازده بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: ما و قطره (۲) ما و ستاره (۳) ما و شراره (۴) ما و درد و داغ (۵) ما و آتش (۷) می‌غفلت (۸) داغ عشق (۱۰) دل و آینه‌دان، دل و کتان (۱۱) استعاره: ماهپاره (۱) زبان لاف (۴) خاک و گردون (۶) تپانچه محشر (۸) ماهپاره (۱۱) کنایه: از خود پیاده بودن (۱) سوخته جان (۷) گره از کار خود گشودن (۱۲) پرده بر افتادن، بی‌بصران (۱۳).

م. تشبیه: ما و عقار، ما و ذوالفقار، ما و چشمه، ما و خار (۲) ما و قلزم، ما و آفتاب (۵) ما و مهره، ما و حقه (۱۰) ما و مسیح (۱۱) ما و شهاب و شراره (۱۲) استعاره: دل (۳) عشق (۸) کنایه: دل از کسی دزدیدن (۴) بر مه سوار بودن (۷) دل شده (۱۰) مجاز: سینه (۴).

ج) سطح فکری: ۱- غزل صائب عاشقانه، و شادی گراست و در آن شاعر گردون سواری و بلندمقامی خود را به تصویر کشیده (۲ و ۱) و وعظ و زهد خشک را مذموم داشته است (۹).

تلمیحات: جوی شیر و جنت (۹) استخاره و گشودن گره کار (۱۲).

۲- موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و شادی گراست و در آن مقام بلند و فلک سواری شاعر توصیف شده (۷ و ۶) و به سکوت و خاموشی توصیه شده است (۱۱).

تلمیحات: ذوالفقار (۲) اشاره به آیه و مبشراً به رسول یاتی من بعدی اسمعده احمد (۶/۶۱) و نطق حضرت مسیح در گهواره (۱۱)، دیو و چرخ و شهاب (۱۲).

* در این دو غزل آثار و نشانه‌های همسانی در محتوا و قالب هویدا و آشکار است.

۱۵. ص: روز چون روشن شود زان روی انور یاد کن / شب جو گردد تیره زان زلف معنبر یاد کن..

این جواب آن غزل صائب که ملاً گفته است «چو بینی آفتاب از روی دلبر یاد کن»
(غ ۶۰۸۶)

م: چون بینی آفتاب از روی دلبر یاد کن چون بینی ابر را از اشک چاکر یاد کن
(غ ۱۹۴۴)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «فاعلاتن فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» بحر رمل مثنی محذوف است. از نظر موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مقید و مردّف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: دلبر، تر. غزل صائب نه بیت و غزل مولوی هفت بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: روز و روی، شب و زلف (۱) صبح و خورشید با گردن و رخسار (۲) تو و خم (۶) معشوق و خضر (۸) استعاره: بهار زندگی (۷) کنایه: فراموشان (۵). م. تشبیه: آفتاب و روی، ابر و اشک (۱) من و ماه نو، ماه نو و جان (۲) سپاه زنگ شب، شب هجران کافر (۴) مرغ دل (۵) چشم و مریخ (۶) کنایه: بی پا و سر (۳)، خشک و تر (۷).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و غم‌گراست و در آن از بیان تداعی معانی‌های «روز حکایت از رخسار معشوق، شب جلوه از زلف او (۱۱)، صبح با خورشید یادآور بیاض گردن و رخسار محبوب (۲) بالین یادآور خشت لحد و بیداری تداعی‌کننده محشر (۴) سخن رفته است.

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و غم‌گراست و در آن از بیان تداعی معانی‌های «آفتاب و روی دلبر، ابر و اشک چاکر (۱)، ماه نو و جان لاغر (۲)، چرخ گردان و حال سرگردان شاعر (۳)، تاریکی شب و اسیران شب هجران (۴)، نسر طایر در فلک آتشین و آتش مرغ دل (۵)، مریخ خون آشام و چشم پر شرور آدم خونریز (۶) و خشک و تر جهان یادآور لب خشک و چشم تر شاعر» سخن به میان آمده است.
تلمیحات: اصطلاحات نجومی نسر طایر (۵)، مریخ خون آشام (۶).

* با توجه به همسویی موضوع و مضامین غزل‌ها تأثر از هر دو جنبه سروده مولوی مدنظر

بوده است.

۱۶. ص: سر نمی‌پیچد ز اشک لاله‌گون مژگان من
 این جواب آن غزل صائب که گوید مولوی
 پنجه با دریای آتش می زند مرجان من...
 «چون بنالم عطر گیرد عالم از ریحان من»
 (غ ۶۱۳۵)

م: کاشکی از غیر تو آگه نبودی جان من
 خود ندانستی به جز تو جان معنی دان من
 (غ ۱۹۶۴)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» بحر رمل مثنی‌محدوف است از حیث موسیقی کناری قافیۀ غزل‌ها مردف و مردّف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: مژگان، ریحان، غزل صائب یازده بیت و غزل مولوی ده بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: اشک لاله‌گون (۱) سینه ار چون صبح، داغ عشق (۲) داغ عشق و نان و خورشید (۳) بند غفلت (۴) من و مشت خاکستر (۵) ریاض خلد (۶) ارسال‌المثل: (۲) استعاره: مژگان (۱) ریحان (۵) حلقه بیرون در، دیده حیران (۹) کنایه: پنجه با کسی زدن (۱) تازه‌رو بودن (۵، ۷) سیه مستان (۶) خون خوردن، گل به دامن کردن (۷) مجاز: سینه (۲).

م. تشبیه: من و ابر، روی و آفتاب (۵) ناله و ریحان (۷) تو و سلطان (۸) جعد و کفر (۹) استعاره: جان (۱) ریحان (۷) روی و ایمان (۹).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عاشقانه و غم‌گراست و شاعر در آن به دردمندی‌های خود در فراق معشوق اشاره کرده و آرزوی دیدار و وصال او را در سر پرورده است (۱-۱۰).

* قالب و محتوای هر دو غزل هماهنگ است.

۱۷. ص: پاک کن از لوح جهان زنگ من
 آن غزل مولوی است این که گفت
 تا برهد عشق تو از ننگ من...
 «پیشتر آ ای صنم شنگ من»
 (غ ۶۴۶۲)

م: پیشتر آ ای صنم شنگ من
 ای صنم هم‌دل و هم‌رنگ من
 (غ ۲۱۱۷)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «مفتعلن مفتعلن فاعلن» بحر رجز مسدس مطوی مرفوع است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزلها مردّف اند. قوافی مشترک عبارتند از: رنگ، ننگ، تنگ، گلرنگ، چنگ، شنگ. غزل صائب یازده بیت و غزل مولوی پانزده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: لوح، جهان، زنگ من (۱) جامه و پر طاووس (۲) لب و نامه سر بسته، رنگ و نامه واکرده (۳) عقل و مهره (۷) دیده و کان بدخشان (۸) کوه غم (۹) استعاره: دل (۲) رخ (۸) کنایه: به فلاخن گذشتن (۴).

م. تشبیه: جنگ چون عوان (۳) قالب چون چنگ (۵) لب لعل، دل چون سنگ (۷) آونگ و شکر (۱۰) زنگی غم و شادی روم (۱۲) چون خمشان بودن (۱۵) استعاره: بت (۴) کنایه: تازه شدن (۱۴).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عاشقانه و غم گراست و شاعر ضمن بیان احوال خود در فراق آرزوی وصال را در سر دارد.

۲- غزل مولوی نیز عاشقانه و غم گراست و در آن احوال شاعر در فراق معشوق بیان شده است.

* موضوع و مضمون غزلها شبیه به هم اند و صائب در هر دو حوزه از غزل مولوی متأثر شده است.

۱۸. ص: دام و کمند گردن دل هاست آرزوست
 این آن غزل که مولوی روم گفته است
 دل مشت خار و موجّه دریاست آرزو...
 «گر گوهری ببین که چه دریاست آرزو»
 (غ ۶۵۶۶)

م: نشیند آتشم چو ز حق خاست آرزو
 زین سو نظر مکن که از آنجاست آرزو
 (ع ۲۲۴۰)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزلها مردّف و

مردّف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: دریا، میرا. غزل صائب بیست بیت و غزل مولوی نه بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: دام و کمند با آرزو، دل و خار و موجّه آرزو (۱) موجّه و آرزو (۲) دل خلق و چشم سوزن، آرزو و گره (۳) آرزو و دست و خار (۴) آرزو و براق (۷) آرزو و دنیا (۸) خار هوس، گردباد و آرزو (۸) آرزو و سلسله (۹) مهر سکوت (۱۱) آرزو و خورشید (۱۳) آرزو و دست (۱۵) آرزو و جام جهان‌نما (۱۶) آرزو و مومیایی و سنگ (۱۹) استعاره: صحرای سینه‌ها (۳) آرزو (۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۹) حسن (۱۵) دست تمنا (۱۶) کنایه: خر در گل ماندن (۷) با خاک برابر شدن (۱۲).

م. تشبیه: تو و گوهر (۲) شست و آرزو، روح و ماهی، صیاد و جان (۳) آرزو و کان دولت (۶) مور و آرزو (۷) آرزو و سلیمان (۸) استعاره: آتش (۱) بحر (۲) عشق (۷) کنایه: تر دامن (۲).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب خلق مضامین متنوع و گاه متضاد از موضوع آرزو (۱۰ و ۶) و بیان بی‌کراتگی آن است (۲۰-۱).

تلمیحات: یوسف و زلیخا (ع) براق و عالم بالا (۷) عیسی (ع) و فلک (۱۰).

۲- موضوع غزل مولوی نیز تفسیر و توصیف موضوع آرزو و تلقی آن به عنوان شست و دامی برای صید روح عاشق از جانب معشوق ازل است (۳).

تلمیحات: مور و بی‌پری آن (۷) مور، سلیمان، تخت و ملک او (۸).

در موضوع و محتوای غزل‌ها هماهنگی‌های قابل توجهی وجود دارد و می‌توان گفت که تأثر صائب از مولانا در هر دو حوزه قالب و محتواست.

۱۹. ص: ای دل ز اوضاع جهان بیگانه شو / با آن نگار خانگی همخانه شو همخانه شو...

از عارف رومی شنو گر حرف صائب نشنوی / «حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو»

(ع ۶۵۷۳)

م: حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو / وندر دل آتش درآ پروانه شو پروانه شو

(غ ۲۱۳۱)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن» بحر رجز مثنی سالم است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مطلق و مردّف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: همخانه، دیوانه، پروانه، پیمان، مستانه، شانه، فرزانه، دردانه، جانانه. غزل صائب دوازده بیت و غزل مولوی شانزده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: دل و غافلان (۳) شمع و گهر (۵) شخص و پیمان (۶) تو و سیل (۷) تو و بو، تو و شانه (۸) فرش و سنگ کودکان (۹) استعاره: دل، نگار (۱) نقش پا (۷) پله دیوانگی (۹) کنایه: صد (۸).

م. تشبیه: شراب عشق، سینه را ما سینه‌ها کردن (۳) افسانه شدن مثل عاشقان (۶) تو و لیلۃ‌القدر، لیلۃ‌القدر و کاشانه (۷) تو و قضا (۸) تو و قفل و مفتاح (۹) تو و لانه (۱۱) تو و آینه، تو و شانه (۱۲) تو و رخ، بیدق و فرزین (۱۳) تو و ارکان و حیوان، تو و جان (۱۵) استعاره: گوشواره (۵) نور (۱۰) صنم (۱۲) عشق (۱۴).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عاشقانه و در آن توصیه و تشویق دل به سرمستی و دیوانگی و جان‌فشانی به جانان (۱۱-۱) و سکوت و خاموشی شده است (۷).

تلمیحات: سدّ سکندر (۷)، دیوانه، سنگ و کودن (۹)، شبنم و خورشید (۱۱).

۲- موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و در آن به عشق‌بازی و صفا و آینگی دل جهت شایستگی تجلی جانان سفارش شده (۱۶-۱) و به سکوت تأکید شده است (۱۶).

تلمیحات: لیلۃ‌القدر (۷)، معجزه پیامبر و ناله استن‌خانه از فراق او (۱۰)، سلیمان و علمنا منطق‌الطیر (۱۱)، بیدق و فرزین شطرنج (۱۳).

* با توجه به هماهنگی موضوع غزل‌ها تأثر صائب از مولوی در هردو جنبه آشکار است.

۲۰. ص: یارب آشفته‌گی زلف به دستارش ده چشم بیمار بگیر و دل بیمارش ده...

صائب این آن غزل مرشد روم است که گفت «ای خداوند یکی یار جفا کارش ده»

(غ ۶۶۱۴)

م: ای خداوند یکی یار جفا کارش ده دلبری عشو ده سرکش خونبارش ده

(غ ۲۳۷۷)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن» بحر رمل مثنیٰ محزون محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزلها موصوله و مردّف اند. قوافی مشترک عبارتند از: بار، کار. غزل هر دو شاعر یازده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: دل و سنگ (۲) گریبان و صبح، سر و خورشید (۳) محبوب و سرود (۵) سرمه خواب (۶) حیرت دیدار و آینه (۸) رگ چو زَنار (۹) استعاره: دستار (۱) بت (۹) کنایه: خسته دل (۲) دست از کار بردن (۴) سیه مست (۶).

م. تشبیه: خود و ابله (۱۰) کس را چورهی (۱۱) استعاره: مه (۶).

ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عاشقانه و غم گراست و در آن شاعر از معشوق به سبب عدم عنایت او به احوال عاشقان گله کرده است و آرزو کرده که معشوق اش گرفتار عشق و آرزو شود (۱-۱۱).

۲- موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و غم گراست و در آن از عدم توجه معشوق به حال عاشقان گله و شکایت کرده و گرفتاری معشوقش را نیز آرزو کرده است (۱-۱).

* ساختار و سطح فکری غزلها دارای رگه های مشترک فراوانی است و آن بیانگر استقبال صائب از مولوی در هر دو جنبه است.

۲۱. ص: هر دو عالم یک قدم باشد به پای بیخودی	ای هزاران خضر فرخ پی فدای بیخودی..
این جواب آن غزل صائب که ملّا گفته است	«ای سری و سروریها خاک پای بیخودی
	(غ ۶۶۸۹)
م: مرغ دل پران مباح جز در هوای بیخودی	شمع جان تابان مباح جز در سرای بیخودی
	(غ ۲۷۷۵)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» بحر رمل مثنیٰ محذوف است. از نظر موسیقی کناری قافیه غزلها موصوله و مردّف اند. قوافی مشترک عبارتند از: پای، همای. هر دو غزل دارای ده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: دو عالم و یک قدم (۱) همای و بیخودی (۲) ناخن و بیخودی (۳) غنچه پیکان و سوفار، باغ و بیخودی (۴) کهربای و بیخودی (۵) دانه ما، آسیای بیخودی (۸) ملک سلیمان و دیده مور (۹) ارسال المثل: (۶) استعاره: بیخودی (۱، ۶، ۷، ۹) آسیا (۸) کنایه: هزاران (۱) صد (۵).

م. تشبیه: مرغ و دل، شمع و جان، سرای بیخودی (۱) آفتاب لطف، همای بیخودی (۲) بلای بیخودی (۳) فنای بیخودی (۴) وفای بیخودی (۷) استعاره: بیخودی (۱، ۵، ۶، ۸، ۹) کنایه: هزاران (۳) صد (۵).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب توصیه به سرمستی و بیخودی و بیان ارج و مقام آن است (۱-۱۰). تلمیحات: خضر (۱)، بلبل، جغد و هما (۲)، مور و سلیمان (۹).
۲ - موضوع غزل مولوی نیز بیان ارزش و مقام بلند سرمستی و بیخودی است (۱-۱۰).
تلمیح: هما و سایه آن (۲).

* تأثیر مولوی در صائب از حیث پیام و پیکره قابل توجه است.

۲۲. ص: پیش اغیار از بهار تازه رو گلشن تری

این جواب آن غزل صائب که گوید مولوی

(غ ۶۶۹۰)

تا قمر را وا نمایم کز قمر روشن تری

م: در دو چشم من نشین ای آن که از من من تری

(غ ۲۷۹۸)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزلها «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» بحر رمل مثنی محذوف است. از لحاظ موسیقی کناری قافیه غزلها مقید و مردّف اند. قوافی مشترک عبارتند از: گلشن، آهن، سوسن، روشن، من. غزل صائب یازده بیت و غزل مولوی هفت بیت دارد.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: معشوق و بهار، دل و آهن (۱) خار و شرم (۳) معشوق و قدح (۶) خار و عریانی، معشوق و غنچه (۷) خانه دل، استعاره: آغوش مور (۴) شمع آسمان (۵) عندلیب (۹) چشم پریشان سیر (۱۰) کنایه: عنان از کف دادن (۲) دامن گیری، تر دامن

بودن (۳) کامیاب شدن، خوش خرمن بودن (۴) سیه مستی (۵) سر در گریبان داشتن (۶) برای چیزی مردن، چیزی را از حسد بردن (۷) دامن از چیزی فشاندن (۸) صد پاره (۹).
 م. تشبیه: معشوق و قمر (۱) معشوق و گلشن (۲) سرو قامت و معشوق، معشوق و سوسن (۳) موم و معشوق، معشوق و آهن (۴) معشوق و فلک، معشوق و زمین (۵) معشوق و حصن و جوشن (۶) استعاره: شمع جان (۴) کنایه: صد (۲) هزار (۶).
 ج) سطح فکری: ۱- موضوع غزل صائب عاشقانه و غم گراست و در آن آهن دلی، سرکشی و بی عنایتی معشوق به عاشق و آرزوی وصال بیان شده است (۱۱-۱۰).
 ۲- غزل مولوی نیز عاشقانه، فراقی اما شادی گراست و در آن مقام و منزلت معشوق و سرکشی و آهن دلی او توصیف شده است (۷-۱).

* همانندی غزل‌ها از حیث محتوا و قالب قابل توجه است.

۲۳. ص: ای جان به قید گنبد خضرا چگونه‌ای
 ای باده در شکنجه مینا چگونه‌ای...
 صائب جواب آن غزل مولوی است این «کای گوهر فزوده ز دریا چگونه‌ای»
 (غ ۶۹۳۲)
 م: ای جان و ای دو دیده مینا چگونه‌ای
 وای رشک ماه و گنبد مینا چگونه‌ای
 (غ ۲۹۸۷)

الف) سطح موسیقایی: موسیقی بیرونی یا وزن غزل‌ها «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف است. از حیث موسیقی کناری قافیه غزل‌ها مقید و مردف‌اند. قوافی مشترک عبارتند از: مینا، ما، دریا. هر دو غزل دارای دوازده بیت است.

ب) سطح ادبی: ص. تشبیه: شبنم و خورشید (۲) گلیم و سویدا (۳) شیشه و دل‌ها، خم و انار (۴) کوچه بند زلف (۶) طور سپند، مجمر و دل‌ها (۷) صحرای لامکان، بیضه دنیا (۸) تابخانه جگر (۹) استعاره: جان، باده، مینا (۱) شبنم (۲) لاله (۳) باده (۴) شیشه (۵) باد و گل (۶) شعله (۷) شاهباز (۸) برق، نعل در آتش داشتن (۹) قطره، قلزم، موج، دریا (۱۰) دریا و قطره (۱۱) کنایه: بر خاک تپیدن (۱۱).

م. تشبیه: جای خالی از معشوق و سوراخ کژدم (۳) جان و عنقا، قاف صبر و سکینه (۷)

شاه شمس (۱۲) استعاره: جان و دو دیده (۱) گوهر فزوده، جان (۴) مرغ (۵) گلشن لطیف، گلخن (۶) کوه قاف (۷).

ج) سطح فکری: ۱ - موضوع غزل صائب عاشقانه و غم گراست و در آن احوال دل و جان عاشق در فراق عالم توصیف شده است (۱-۱۲).

۲ - موضوع غزل مولوی نیز عاشقانه و غم گراست و در آن احوال جان عاشق در فراق از آشیان اصلی خود به تصویر کشیده شده است (۱-۱۲).

تلمیحات: کوه قاف و عنقا (۷) اشاره به آیه «قاب قوسین او ادنی ۹/۵۳» (۱۲).

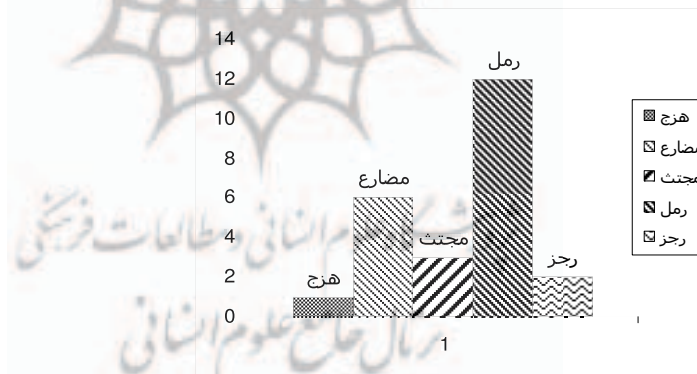
*اقتفا و اقتباس صائب از مولوی هم از حیث ساختار و قالب و هم از جهت محتوا قابل توجه است.

نتیجه گیری

از مجموع بیست و سه غزل مقایسه شده در سه سطح موسیقایی، ادبی و فکری نتایج زیر حاصل شده است:

۱ - از حیث موسیقی بیرونی، اغلب غزل‌های مورد استقبال صائب از مولوی بر وزن رمل (۱۲ مورد) از اوزان خوش آهنگ و روان عروض فارسی است و شش غزل از اوزان خیزابی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ۳۹۵) یعنی بحر مضارع است. جز در یک مورد در بقیه موارد مورد سنجش، غزل‌ها دارای قوافی مشترکی است. (← نمودار الف).

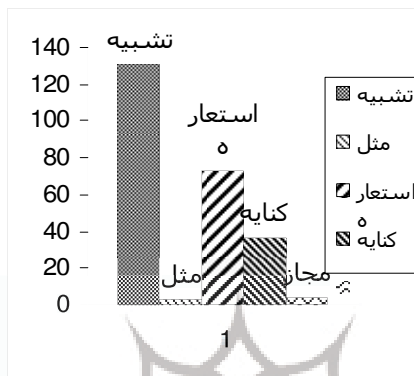
نمودار الف



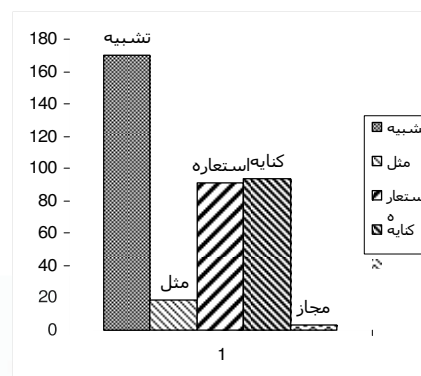
۲ - از نظر سطح ادبی، در بیست و سه غزل صائب که مشتمل بر ۲۸۶ بیت است، صد و

شصت و هفت مورد تشبیه (۵۸٪)، هفده بار ارسال المثل (۶٪)، هشتاد و پنج مورد استعاره (۳۰٪)، نود و دو بار کنایه (۳۲٪) و سه مورد مجاز (۱٪) به کار رفته است. در غزلیات مولوی نیز که مشتمل بر ۲۵۶ بیت است، صد و سی و یک مورد تشبیه (۵۲٪)، دو مورد تمثیل (۱٪)، هفتاد و سه بار استعاره (۲۸٪)، سی و هفت مورد کنایه (۱۴٪) و چهار بار مجاز (۱٪) استعمال شده است. با توجه به درصدهای به دست آمده، که وجه ادبی متن یا نمونه‌های صور خیالی در غزلیات صائب از مولوی چشمگیرتر است (← نمودار ب).

مولوی



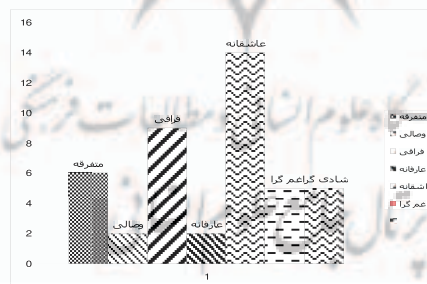
صائب



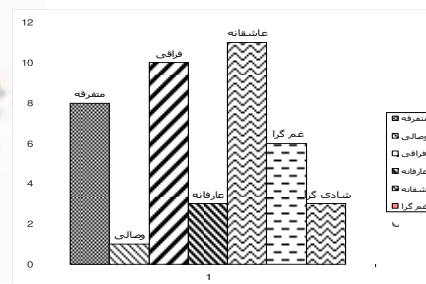
۳- از لحاظ سطح فکری، موضوع اغلب غزل‌های هر دو شاعر عاشقانه و فراقی است. از بسامد قابل توجه مضمون غم و اندوه در شعر صائب و شادی و انبساط خاطر در غزلیات مولوی، این نتیجه حاصل می‌شود که صائب در اشعار خود غم‌گرا؛ ولی مولوی شادی‌گراست (نمودار ج).

نمودار ج

مولوی



صائب



پی‌نوشتها

۱ - اصطلاح بینامتنیت: یعنی، پیوند تنگاتنگ و دو سویه متن با متن‌های دیگر که آن را ژولیا کریستوا در اواخر دهه شصت وارد حوزه نقد ادبی و زبان‌شناسی کرده است.

۲ - صائب این طرز سخن را از کجا آورده‌ای خنده بر گل می‌زند رنگینی اشعار تو (غ ۶۴۸۰)

۳ - نقش پای غزالان، پیشگفتار، ۹، ۱۰.

۴ - فتاده تا به ره طرز مولوی صائب سپند شعله فکرش شده است کوب‌ها (غ ۶۶۷)

و نیز غزل‌های ۲۶۰۴، ۴۵۳۲ و ۶۴۶۱.

۵ - مانند غزل‌های: ص. ۲۴۷، م. ۱۳۶ / ص. ۵۸۵، م. ۲۳۳ / ص. ۷۶۷، م. ۲۰۳ / ص. ۳۷۸۹، م. ۹۵۹ / ص. ۳۹۵۸، م. ۹۱۴ / ص. ۴۴۵۷، م. ۶۴۸ / ص. ۴۸۱۲، م. ۱۱۹۸ / ص. ۵۰۲۸، م. ۱۲۸۴ / ص. ۵۷۰۲، م. ۱۶۴۶ / ص. ۵۹۵۸، م. ۱۴۸۴ / ص. ۶۲۷۸، م. ۱۹۹۱ / ص. ۶۳۳۲، م. ۲۰۷۴ / ص. ۶۹۶۶، م. ۳۰۰۱ و...

منابع

۱ - قرآن

۲ - ایرنا، ریما مکاریک. (۱۳۸۴). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و... آگه، چاپ اول.

۳ - دشتی، علی. (۱۳۶۴). نگاهی به صائب، اساطیر، سوم.

۴ - دیچز، دیوید. (۱۳۷۰). شیوه نقد ادبی، ترجمه یوسفی، علمی، چاپ سوم.

۵ - شاه حسینی ناصرالدین. (۱۳۶۸). شناخت شعر، هما، چاپ دوم.

۶ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). موسیقی شعر، آگاه، چاپ سوم.

۷ - شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). فرهنگ اشارات، فردوس، چاپ اول.

۸ - _____ (۱۳۶۶). فرهنگ تلمیحات، فردوس، چاپ اول.

۹ - _____ (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی، فردوس، چاپ چهارم.

۱۰ - عبداللهی، رضا. (۱۳۶۳). **بحثی پیرامون زحاف رایج در شعر فارسی**، امیرکیبر، چاپ اول.

۱۱ - عزیزیان، کبری. (۱۳۸۳). **راهنمای دیوان صائب**، علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۱۲ - فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۱). **احادیث مثنوی**، امیرکیبر، چاپ سوم.

۱۳ - قهرمان، محمد. (۱۳۶۳). **دیوان صائب تبریزی**، علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۱۴ - گراهام، آلن. (۱۳۸۰). **بینامتنیت**، ترجمه یزدانجو، نشر مرکز، اول.

۱۵ - گلی، احمد. (۱۳۸۴). **برگزیده غزلیات صائب و بیدل**، هاشمی سودمند، تبریز، چاپ اول.

۱۶ - _____ (۱۳۸۷). **بلاغت فارسی (معانی و بیان)** آیدین، تبریز، چاپ اول.

۱۷ - معدن کن، معصومه. (۱۳۸۷). **نقش پای غزالان** (شرح پنجاه غزل از صائب تبریزی) آیدین، تبریز، چاپ اول.

۱۸ - مولوی، جلال الدین. (۱۳۵۵). **کلیات شمس**، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، امیرکیبر، چاپ سوم.

